

کپی رایت و مؤلفه‌های آن؛ جلوه‌ای از مالکیت فکری

جواد صالحی* / معصومه سالاری‌راد**

چکیده

«کپی‌رایت» زیرمجموعه مالکیت ادبی و هنری، و شاخه‌ای از مالکیت فکری است و به هر تلاش مبتکرانه‌ای اطلاق می‌شود که این حق را به دارنده خود می‌دهد تا بتواند اراده خویش را در تکثیر و بهره‌مندی از آثار مادی آن اعمال کند. حق نسخه‌برداری و انتشار آن، از مقدمه و پیش‌شرط‌های برخورداری از منافع اثر به شمار می‌رود. نقض کپی‌رایت، علاوه بر محروم کردن صاحب آن از منافع مادی، سبب از بین رفتن روحیه خلاقیت و تزلزل فرهنگ جامعه می‌شود.

کپی‌رایت از مسائل نوپدید در فقه و حقوق است که همگام با تحولات اقتصادی، صنعتی و فرهنگی جوامع بشری، بسیار دگرگون شده است. این نوشتار، پس از شناساندن مفهوم آن و رابطه آن با مالکیت فکری و شناخت مؤلفه‌های آن، به بررسی جایگاه کپی‌رایت در آموزه‌های فقهی و مؤلفه‌های آن در قوانین موجود و در نهایت، به مبانی حمایت از کپی‌رایت می‌پردازد.

کلید واژه‌ها: مالکیت فکری، مالکیت ادبی و هنری، کپی‌رایت، مؤلف، آفرینش‌های فکری.

javad_salehi84@yahoo.com

salary_14@yahoo.com

* عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور کرمان.

** عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور کرمان.

دریافت: ۸۹/۲/۲۰ - پذیرش: ۹۰/۴/۱۵.

درآمد

«مالکیت فکری»^۱ ترجمه‌ای از اصطلاح Intellectual Property است، که برخی از حقوقدان‌ها از آن با تعبیر «مالکیت معنوی» یاد کرده‌اند.^۲ مالکیت فکری دو بخش دارد: بخش اول مربوط به «مالکیت صنعتی»^۳ و بخش دوم مربوط به «مالکیت ادبی و هنری» است. مالکیت ادبی و هنری یا «حق ابتکار»^۴ خود به دو حوزه «حقوق مؤلف» و «حقوق مرتبط»^۵ بخش پذیر است. اصطلاح «حق مؤلف»^۶ که در حقوق رومی - ژرمنی به سبب توجه بیشتر به پدیدآورنده بیشترین کاربرد را دارد، معادل «حق نسخه‌برداری» مطرح در کامن لو به لحاظ تأکید بر جنبه مادی آثار فکری است که در معنای کپی‌رایت آورده شده است. حق نسخه‌برداری ترجمه‌ای از اصطلاح Copyright می‌باشد و نخستین بار در سال ۱۸۸۶ در «کنوانسیون برن»^۷ وارد عرصه بین‌المللی شد و به مسئولیت حمایت از کارهای ادبی و هنری اشاره کرد.^۸

کپی‌رایت، حقی است که برپایه آن به پدیدآورنده اجازه داده می‌شود درباره انتشار و فروش اثر ادبی، هنری یا علمی خویش با پشتوانه حمایتی قانون‌گذار، تصمیم بگیرد. این تصمیم‌گیری بدون دغدغه آن است که دیگران حقوق مادی و اخلاقی او را زیر پا نهند و او را از داشتن این حقوق مسلم محروم سازند. از این رو، کپی‌رایت تمهیدی قانونی است که برای حمایت از حقوق مادی و اخلاقی پدیدآورندگان یا تولیدکنندگان آثار ادبی، هنری و علمی پایه‌ریزی شده است. در پرتو این حق، به صاحب آن اجازه داده می‌شود که در مورد چاپ‌کردن یا چاپ نکردن اثر ادبی، خودش یگانه مرجع تصمیم‌گیرنده باشد و هر شخص متعرض به این حق، اعم از حقیقی یا حقوقی، منع گردد. در این نوشتار، کپی‌رایت را از منظر فقیهان و قانون‌گذار (گفتار اول) و مبنای آن (گفتار دوم) مطالعه می‌کنیم:

گفتار اول. کپی‌رایت از منظر فقیهان و قانون‌گذار

اصطلاح «کپی‌رایت» نخستین بار در کنوانسیون برن،^۹ وارد عرصه بین‌المللی شد و به مسئولیت حمایت از کارهای ادبی و هنری اشاره کرد. در پرتو چنین حقی بود که به دارنده اثر اجازه داده شد تا درباره انتشار و فروش اثر ادبی، هنری یا علمی خویش با پشتوانه حمایتی قانون‌گذار، تصمیم بگیرد؛ بدون اینکه دیگران بتوانند او را از داشتن چنین امتیازاتی

محروم سازند. با توجه به توسعه روزافزون فناوری و آسان بودن نقض کپی‌رایت در خارج از مرزها، نگرانی حمایت از کپی‌رایت و لزوم واکنش در قبال آن احساس شد. پذیرش خطر نقض کپی‌رایت در عرصه بین‌المللی اتخاذ تدابیری سنجیده و مناسب را در قبال آن، ضروری ساخت. در این باره توصیه انعقاد موافقت‌نامه‌های مختلف میان کشورها راه‌کار اصلی تلقی شد تا این موافقت‌نامه‌ها و کنوانسیون‌ها بتوانند در سطح جهانی، حق مادی و اخلاقی پدیدآورندگان را از تعرض سوءاستفاده‌کنندگان محفوظ نگاه دارند.

اما در عرصه داخلی، حمایت از کپی‌رایت با موانعی جدی روبه‌رو شد. فقیهان در این زمینه رویکردهای متفاوتی دارند که اجرای قوانین داخلی و الحاق به کنوانسیون‌های بین‌المللی را با تردید مواجه می‌سازد. در باب پیشینه کپی‌رایت در متون فقهی، به لحاظ نو بودن این دسته از حقوق نمی‌توان سابقه‌ای یافت. به همین لحاظ فقهای معاصر از این دسته حقوق با عنوان «مسائل مستحدثه» یاد می‌کنند.^{۱۰} رویکرد اسلام در مقابل کپی‌رایت با تجویز بهره‌برداری از علوم ضروری در جوامع اسلامی، امکان انتفاع از آثار فکری دیگران را فراهم ساخته است و حتی از این طریق به تحقق زودهنگام رنسانس در اروپا نیز کمک کرده است.^{۱۱} کتابت در اسلام که با نزول قرآن کریم و نصوص دینی رواج یافت، به طور رسمی با جمع‌آوری و تدوین احادیث در زمان بنی امیه شروع شد^{۱۲} و با دادن جوایز به کاتبان آن از سوی خلفای اسلامی، به ویژه عمر بن عبدالعزیز، قوت گرفت. نسخه‌برداری از کتب مؤلفان با آغاز نهضت ترجمه در دوران مأمون عباسی، به یکی از مشاغل درآمدزا مبدل شد که یگانه محدودیت آن، هشدار از دخل و تصرف در آن با واگذار کردن ضمانت اجرای آن به عقوبت اخروی بود.^{۱۳} برای پاسخ به این سؤال که «آیا در فقه و حقوق اسلامی اعتباری برای کپی‌رایت وجود دارد یا خیر؟»، باید به بررسی اقوال فقیهان در این خصوص پرداخت.

الف. دیدگاه موافقان کپی‌رایت

پیش از اختراع صنعت چاپ، تحریر کتاب به صورت دست‌نویس به قدری دشوار و پرهزینه بود که معمولاً شخصی به فکر سوءاستفاده یا تکثیر مجدد از روی نسخ اصلی نمی‌افتاد. با وجود این، سوءاستفاده از آثار فکری پدیده رایجی بود.^{۱۴} این در حالی است که «... تألیف، اختراع و ابتکار در عرف معاصر واجد ارزش مالی است و این حقوق به لحاظ

شرعی دارای اعتبار است... و صاحبان این آثار حق هر نوع تصرفی در آن را ندارند... و تجاوز به حقوق آنها جایز نیست».^{۱۵} «حق مؤلف یا حق ادبی، به لحاظ شرعی، دارای احترام است...».^{۱۶} ولی صرف عبارت «حق طبع محفوظ» حقی را به نفع صاحبان کتب ثابت نمی‌کند. با این حال، احتیاط در مراعات این حق است.^{۱۷}

مالیت و ارزش اشیا، از اعتبارات عقلایی است و تحدیدی از ناحیه شارع مقدس اسلام وجود ندارد. بنابراین، در مسئله فوق، حقوق مذکوره شرعاً مفید و لازم الرعایه هستند.^{۱۸} «حق تألیف یکی از حقوقی است که در جوامع گذشته وجود نداشته است؛ زیرا مؤلفین در تألیفات و نوشته‌های خود، منافع شخصی خویش را در نظر نمی‌گرفتند. اما پس از آنکه کتاب، وسیله‌ای برای تجارت و معامله گردید، مؤلف این حق را پیدا کرد که از تألیف خود، در مرحله اول، خودش استفاده کند؛ زیرا کتابی را که تألیف کرده ساخته و پرداخته خود اوست و منطقی به نظر نمی‌رسد که کسی دیگر از نوشته و اثر او ثروتمند گردد، اما خودش در فقر و احتیاج به سر برد. در شرایط کنونی، مؤلف این حق را پیدا کرده که از منافع مادی کتاب، خود استفاده کند و استفاده دیگران را مشروط به موافقت خود گرداند. امروز نمی‌توان گفت کسی که کتابی خرید و مالک آن شد، طبق قاعده «الناس مسلطون علی اموالهم» اجازه دارد کتاب را بدون اجازه مؤلف و ناشر چاپ کند؛ زیرا قاعده تسلیط فقط اجازه می‌دهد که انسان در اموال خویش تصرف کند. اما مجاز نیست در حقی که دیگران (در اینجا مؤلف و ناشر) از آن خود می‌دانند، تصرف نماید. اگر چنین حق خصوصی را از مؤلف و ناشر سلب نمایم، حقوق بسیاری از آنها تضییع گردیده و هرج و مرجی در انتشارات به وجود می‌آید که از نظر شرع و عقل قابل پذیرش نمی‌باشد.^{۱۹}

«حق طبع و تألیف و اختراع و مانند آن، یک حق شرعی و قانونی است و از نظر اسلام باید به آن احترام گذاشت. یا به تعبیر دیگر، اهمیت مالکیت‌های فکری کمتر از مالکیت‌های عینی نیست و حکومت اسلامی باید عهده‌دار حفظ آنها باشد».^{۲۰} از این‌رو نشر آثار علمی دیگران، بی‌اذن صاحبان آنها اکل به مال باطل و حرام است.^{۲۱}

ب. دیدگاه مخالفان کپی‌رایت

برخی مالکیت فکری را به وقف خاص شبیه دانسته‌اند.^{۲۲} از این‌رو، نویسندگان، حق تألیف مالی ندارند و ناشران مسلمان با هر کمیت که بخواهند می‌توانند آنها را چاپ و توزیع کنند تا معارف اسلامی ترویج شوند.^{۲۳} مشروعیت کپی‌رایت از دیدگاه امام خمینی^ع و میرزا جواد تبریزی^{۲۴} مخدوش است؛ چراکه از نظر ایشان «آنچه که معروف به حق طبع شده

است، حق شرعی به حساب نمی‌آید و نفی سلطهٔ مردم بر اموالشان بدون اینکه هیچ‌گونه شرط و عقدی در میان باشد جایز نیست...». حتی نوشتن جملهٔ «حق چاپ و تقلید محفوظ است» فی نفسه حقی ایجاد نمی‌کند و بر التزام دیگران دلالت ندارد؛ پس نمی‌تواند مانع دیگران از بهره‌برداری شود، بلکه «...دیگران می‌توانند آن را چاپ نموده و از آن تقلید کنند...»^{۲۵}، نتیجهٔ این فتوا آن بود که تا مدت‌های مدیدی «...بر حسب فتوای حضرت امام، محاکم قضایی ما از صدور حکم عاجز بودند».^{۲۶}

حق طبع، حق تألیف و حق اختراع را به مفهومی که در قوانین موضوعهٔ جدید از آن تعریف شده و آثاری که بر آن مترتب می‌نماید، حقیر توانسته‌ام با احکام و نظامات اسلامی تطبیق نمایم و از عقود و معاملات هم نیست که بتوانم بگویم مشمول اطلاقات یا عموم بعضی ادله مثل اوفوا بالعقود است... در زمان شارع مقدس هم تألیف و اختراع و ابتکار بوده، اما برای مؤلف و مبتکر و مخترع و محقق، حقی اعتبار نمی‌شده و شارع هم اعتبار نفرموده است و به عبارت اخری بنا بر عدم اعتبار بوده... بناءً علی کلمات ذکر، مشروعیت حقوق مذکوره را ثابت نمی‌دانیم.^{۲۷}

یکی دیگر از دانشمندان اسلامی نیز معتقد است نویسندگان حق مالی تألیف ندارند. از این‌رو، ناشران و مؤسسه‌های چاپ و نشر می‌توانند هر جور و به هر تعداد کتاب‌ها را چاپ کنند تا عقاید اسلامی ترویج و تبلیغ شود و به دست همهٔ افراد برسد؛ چراکه مردم در تحقیق از حقیقت و رسیدن به آن شریک‌اند.^{۲۸}

ج. رویهٔ قانون‌گذار

قانون‌گذار قبل از پیروزی انقلاب اسلامی با صرف نظر از دیدگاه فقهای مخالف با کپی‌رایت، قوانینی را در حمایت از کپی‌رایت وضع کرده بود که اجرای آن پس از انقلاب اسلامی با مخالفت‌هایی مواجه شد. مقنن برای رعایت کپی‌رایت به طراحی مؤلفه‌هایی در این باره پرداخته است که حرکت صاحبان آثار ادبی و هنری در این مسیر، مورد حمایت و متجاوزان به آن را تحت تعقیب قرار می‌دهد. شرایط حمایت از اثر، مدت حمایت، و آثار مورد حمایت، از جمله مؤلفه‌های مورد توجه مقنن است که در ذیل به بررسی آنها می‌پردازیم.

الف. شرایط حمایت از اثر

برای اینکه آثار ادبی و هنری در کانون حمایت قانون قرار گیرند، باید شرایطی داشته باشند:

۱. محسوس بودن شکل اثر

افکار و اندیشه‌ها مورد حمایت نیستند. تخیل‌ها باید از قالب ذهن خارج شوند و به صورت محسوس و عینی تجسم یابند، تا قابل حمایت باشند. موسیقی ضبط شده، داستانی که نوشته شده و تصویری که در فیلم عکاسی ثبت شده است، شکل محسوس دارند.^{۲۹} بنابراین، تا زمانی که یک ایده از چارچوب تخیل ذهنی خارج نشود و نمود خارجی نیابد، قابلیت حمایت قانونی ندارد.

۲. اصالت اثر

اثری قابل حمایت است که ابتکاری و اصیل باشد؛ بدین معنی که نماینده شخصیت و منویات پدیدآورنده و انعکاسی از افکار او باشد. اما نو بودن اثر، شرط نیست. برای نمونه، اگر دو نقاش، از یک منظره تابلوهای مشابهی بکشند بدون اینکه از هم تقلید کنند، اثر هریک با توجه به اینکه بیانگر شخصیت پدیدآورنده آن است اصیل محسوب می‌شود. اصالت می‌تواند دو گونه باشد:

یک. اصالت در محتوی: یعنی پدیدآورنده نخستین فردی باشد که آن را خلق کرده است؛ مانند نویسنده‌ای که برای نخستین بار در مورد واقعه‌ای داستان می‌نویسد.

دو. اصالت در تعبیر: پدیدآورنده اثر از محتوایی که در گذشته وجود داشته است استفاده می‌کند و اثر دیگری می‌آفریند که دارای ویژگی ابتکار است؛ مانند متون ترجمه یا اشعاری که با توجه به یک ضرب‌المثل سروده می‌شوند.^{۳۰}

به هر حال، اصالت از هر نوع، وقتی وجود دارد که بیان‌کننده هویت اندیشه باشد و به آن، جنبه استقلال دهد. بنابراین، نو بودن شرط نیست؛ به همین دلیل ممکن است اثر جدید صورتی تازه از اندیشه‌ای مبتذل و پیش پا افتاده باشد.

۳. اعلان مشخصات

دارا بودن مشخصات یا علامت‌های خاصی در روی آثار، از شرایط حمایت در ایران نمی‌باشد؛ یعنی به طور کلی لازم نیست علامت خاصی روی آثار ادبی و هنری درج شود. اما در مورد صفحات یا نوارهای موسیقی و صوتی استثنایی وجود دارد که در ماده ۴ قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی (۱۳۵۲) ذکر شده است:

صفحات یا نوارهای موسیقی و صوتی در صورتی حمایت می‌شود که در روی هر نسخه یا جلد آن علامت بین‌المللی P لاتین در داخل دایره و تاریخ انتشار و نام و نشانی تولیدکننده و نماینده انحصاری و علامت تجاری ذکر شده باشد.

پس در مورد صفحات یا نوارهای موسیقی و صوتی درج علامت بین‌المللی P برای حمایت از آنها الزامی است. برخلاف ایران، در آمریکا اعلان مشخصات از شرایط حمایت از اثر می‌باشد. صاحب اثر باید حرف C داخل دایره، تاریخ نخستین انتشار و نام دارنده حقوق اثر را در کنار آن درج کند، تا بر اساس قانون کپی‌رایت آمریکا قابل حمایت باشد. اما با پیوستن آمریکا به کنوانسیون برن با توجه به اینکه در کنوانسیون برن اعلان مشخصات از شرایط حمایت نیست، آمریکا قوانین خود را اصلاح نموده است. البته برای آثاری که پس از ماه مارس سال ۱۹۸۹ در آمریکا برای نخستین منتشر شده‌اند، اعلان مشخصات اختیاری می‌باشد، اما همواره درج آن توصیه شده است؛ زیرا درج اعلان، در واقع نوعی اطلاع‌رسانی به عموم افراد است که اثر مورد حمایت است. در صورت درج‌نکردن، کسی که حقوق پدیدآورنده را نقض کرده است، می‌تواند در دادگاه ادعا کند نمی‌دانسته این اثر مورد حمایت بوده است، و این امر ممکن است در میزان خسارتی که دادگاه تعیین می‌کند، اثر بگذارد. حال آنکه در کنوانسیون جهانی حق مؤلف ژنو^{۳۱} درج علامت P برای آثار صوتی و C برای حمایت از سایر آثار در نظر گرفته شده است. بنابراین، برای حمایت از کپی‌رایت در عرصه بین‌الملل، اعلان مشخصات اثر مهم است.

۴. ثبت اثر

ثبت اثر از شرایط حمایت قانونی در ایران نیست؛ یعنی آثار بدون اینکه تشریفات ثبت را پیموده باشند، در صورتی که سایر شرایط را دارا باشند، از حمایت برخوردار خواهند بود. ماده ۲۱ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان (۱۳۴۸) مقرر می‌دارد: «پدیدآورندگان می‌توانند اثر و نام و عنوان و نشانه ویژه اثر خود را در مراکزی که وزارت فرهنگ و هنر^{۳۲} با تعیین نوع آثار، آگهی می‌نمایند، به ثبت برسانند».

از واژه «می‌توانند» در این ماده چنین برمی‌آید که ثبت اثر در حقوق ایران از شرایط حمایت از حقوق پدیدآورندگان نیست؛ اما اخذ تأییدیه فنی برای اقامه دعوا، در صورت نقض حقوق نرم‌افزارهای رایانه‌ای (۱۳۷۹) لازم است. ماده ۹ قانون حقوق پدیدآورندگان

نرم افزارهای رایانه‌ای مقرر می‌کند: «دعوای نقض حقوق مورد حمایت این قانون در صورتی در مراجع قضایی مسموع است که پیش از اقامه دعوا، تأییدیه فنی یادشده در ماده ۸ این قانون صادر شده باشد. در مورد حق اختراع، علاوه بر تأییدیه مزبور، تقاضای ثبت نیز باید به مرجع ذیربط تسلیم شده باشد».

مطابق آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان (۱۳۵۰)، ثبت اثر طی درخواست‌نامه چاپی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صورت می‌گرفت. مرجع ثبت اثر در تهران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و در شهرستان‌ها ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی بود. این روش از هفتم شهریور ماه ۱۳۸۱ تغییر کرده است. در حال حاضر، ثبت آثار در کتابخانه ملی صورت می‌گیرد. هنرمندان و مؤلفان می‌توانند با مراجعه به کتابخانه ملی و ارائه یک نسخه از اثر خود، برای ثبت اثر اقدام کنند. به همین منظور، برگه‌های ویژه‌ای بر اساس استانداردهای جهانی برای ثبت آثار تهیه شده است که اجرای این طرح با همکاری معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و کتابخانه ملی ایران صورت می‌گیرد.

اشکالی که در مورد این شرط وجود دارد این است که ثبت اثر از شرایط الزامی برای حمایت از حقوق پدیدآورنده نیست. هرچند ثبت اثر، مالکیت پدیدآورنده را بر اثر اثبات نمی‌کند، عمل ثبت، اماره شناسایی مالک است و هنگامی که حقوق مادی و اخلاقی او در معرض تجاوز قرار می‌گیرد، در مقام اثبات ادعای او در دادگاه مفیده است و اثر شکلی دارد. ضمن آنکه در موارد ثبت و تودیع اثر، می‌تواند مبنای انتشار اثر و مدت حمایت قانونی به حساب آید و در استیفای حقوق مادی او مؤثر باشد.^{۳۳}

پس با ثبت اثر تشریفات رسیدگی راحت‌تر طی می‌شود؛ زیرا ثبت اثر به نام پدیدآورنده، اماره شناسایی مالک آن است. برای مثال، اگر شخص «الف» اثر عکاسی خود را ثبت نموده باشد و از شخص «ب» به دلیل انتشار و توزیع آن عکس بدون اجازه وی شکایت نماید و شخص «ب» ادعا کند که «الف» مالک آن اثر نیست، چون اثر ثبت شده است، دادگاه آن را اماره‌ای بر مالک دانستن شخص «الف» می‌داند؛ در نتیجه بار اثبات این امر که ثبت اثر معتبر نیست، بر عهده شخص «ب» قرار می‌گیرد.

۵. مالیت داشتن اثر

معیار مالیت داشتن یک اثر در ایران تنها به ارزش اقتصادی آن بستگی ندارد؛ چراکه مالیت داشتن آن با توجه به عرف و نظم عمومی و اخلاق حسنه سنجیده می‌شود.^{۳۴} در نظام قانونی کشور ما که مبتنی بر موازین شرعی است، آثاری وجود دارند که ارزش اقتصادی دارند، اما چون مبادله آنها برخلاف نظم عمومی و اخلاق حسنه است، قانون از آنها حمایت نمی‌کند. برای مثال، فیلم‌های مستهجن، شعرهای توهین‌آمیز و نظایر آن، از آثار قابل حمایت به شمار نمی‌آیند؛ زیرا مبنای قانون‌گذار این است که از منافع و مصالح اجتماع حمایت کند و اگر اثری با اخلاق حسنه مخالف باشد از لحاظ شرعی و قانونی ارزش اقتصادی ندارد.

۶. شرط نخستین بار

بر اساس قانون ایران لازم است که چاپ یا پخش یا نشر یا اجرای اثر برای نخستین بار در ایران باشد. در این‌باره ماده ۲۲ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مقرر می‌دارد: «حقوق مادی پدیدآورنده موقعی از حمایت این قانون برخوردار خواهد بود که اثر برای نخستین بار در ایران چاپ یا پخش یا نشر یا اجرا شده باشد و قبلاً در هیچ کشوری چاپ یا نشر یا اجرا نشده باشد».

از این‌رو، اگر یک اثر ادبی و هنری نخستین بار در ایران چاپ یا پخش یا نشر یا اجرا نشده باشد، از حمایت برخوردار نخواهد بود. البته پیش‌نویس قانون مالکیت ادبی و هنری^{۳۵} در این خصوص به غیر از ملاک نخستین انتشار در ایران یا انتشار ظرف مدت ۳۰ روز از انتشار نخستین در ایران، ضابطه تابعیت ایران یا سکونت در ایران را هم، در نظر گرفته است.

ب. مدت حمایت

درباره مدت حمایت باید میان حقوق مادی و اخلاقی دارنده کپی‌رایت فرق گذاشت. حقوق اخلاقی پدیدآورنده به زمان محدود نیست و همواره در کانون حمایت قانون قرار می‌گیرد. حتی پس از مرگ صاحب اثر اگر کسی به حقوق اخلاقی او تعرض کند، ضمانت اجرا خواهد داشت. اما قاعده کلی، طبق ماده ۱۲ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان این است که حقوق مادی پدیدآورنده در طول حیات او معتبر است و بعد از

مرگ هم به مدت ۳۰ سال متعلق به وراثت یا شخصی است که این حقوق به موجب وصیت به او منتقل شده است. اگر پدیدآورنده وراثتی نداشت و حقوق خود را از طریق وصیت نیز به کسی واگذار نکرده بود، برای مدت ۳۰ سال، همه حقوق مادی متعلق به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است و پس از آن هر کسی می‌تواند از آن بهره‌بردار. به موجب بند ۱ ماده ۷ کنوانسیون برن و همچنین موافقت‌نامه تریپس^{۳۶} و کنوانسیون جهانی حق مؤلف،^{۳۷} مدت حمایت ۵۰ سال پس از مرگ پدیدآورنده اثر است. آشکار است که بین قانون رایج در ایران و این قرارداد بین‌المللی، در زمینه مدت اعمال حمایت تفاوت وجود دارد. اما در پیش‌نویس قانون مالکیت ادبی و هنری دقیقاً مدت ذکر شده در کنوانسیون برن آمده است و قانون کپی‌رایت آمریکا نه تنها حداقل لازم را رعایت می‌کند، بلکه مواعد طولانی‌تری را برای حمایت در نظر گرفته است. کنوانسیون رم^{۳۸} حداقل حمایت را ۲۰ سال از تاریخی که اثر در آن ضبط شده یا برنامه اجرایی و نمایشی در آن به وقوع پیوسته یا برنامه رادیویی و تلویزیونی پخش شده، شناسایی کرده است. در حالی که معاهده حق مؤلف ژنو حداقل دوره حمایت را در مورد آثار صوتی ۵۰ سال می‌شناسد و معاهده اجراکنندگان و آوا نگاشت‌ها^{۳۹} حمایت از حقوق اجراکنندگان آثار را حتی پس از مرگ آنان تأمین می‌کند.

ج. آثار مورد حمایت

ماده ۲ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان اثرهای مورد حمایت را نام می‌برد:

- کتاب و رساله و جزوه و نمایشنامه و هر نوشته دیگر علمی و فنی و ادبی و هنری. عبارت «هر نوشته دیگر» بیانگر این است که مصداق‌های مورد اشاره، حصری نیستند و هر اثری که بیانگر شخصیت پدیدآورنده آن باشد، از جمله مقاله‌های مطبوعاتی، فیلمنامه یا اقتباس و تلخیص از آثار دیگر، از حمایت قانونی برخوردار است.

- شعر و ترانه و سرود و تصنیف که به هر ترتیب و روش نوشته یا ضبط یا نشر شده باشد:

از آثار صوتی ضبط شده بر روی صفحه یا نوار یا هر وسیله دیگر یا اشعار و سرودهای نوشته شده حمایت می‌شود.

- اثر سمعی و بصری به منظور اجرا در صحنه‌های نمایش یا پرده سینما یا پخش از رادیو و تلویزیون که به هر ترتیب و روش نوشته یا ضبط یا نشر شده باشد:
اثر رادیویی، برنامه‌ای است که برای پخش از رادیو خلق یا مورد اقتباس قرار گرفته است. اثر تلویزیونی، مجموعه تصاویری است که بر اساس قواعد و ویژگی‌های خاص این رسانه پرداخته شده و در نهایت یک برنامه تلویزیونی را می‌سازد.^{۴۰} اثر سینمایی، تصاویر عکس‌برداری شده متحرک به وسیله دستگاه سینما تو گراف است به شرطی که بیانگر شخصیت و ابداعات و ابتکارات پدیدآورنده آن باشد.^{۴۱}

- اثر موسیقی که به هر ترتیب و روش نوشته یا ضبط یا نشر شده باشد:

اثر موسیقی ترکیبی از چهار قسمت است که مورد حمایت قرار می‌گیرند:

۱. ملودی یا مایه اصلی آهنگ؛

۲. ریتم یا ضرب؛

۳. هارمونی (همسازی و هم آهنگی)؛

۴. تنظیم.

نقاشی و تصویر و طرح و نقشه جغرافیایی ابتکاری و نوشته‌ها و خط‌های تزئینی و هر گونه اثر تزئینی و اثر تجسمی که به هر طریق و روش به صورت سایه یا ترکیبی پدید آمده باشد.
- هر گونه پیکره (مجسمه):

جسمی که از گچ، فلز، سنگ و ... به شکل حیوان، انسان یا ... درست کنند.

- اثر معماری از قبیل طرح و نقشه ساختمان:

این آثار باید دارای ویژگی ابتکاری و واجد جنبه‌های هنری باشند تا مورد حمایت قرار گیرند.

- اثر عکاسی که با روش ابتکاری و ابداع پدید آمده باشد:

- این قانون از اثر عکاسی اصیل و ابتکاری حمایت می‌کند.

- اثر ابتکاری مربوط به هنرهای دستی یا صنعتی، نقشه قالبی و گلیم.

- اثر ابتکاری که بر پایه فرهنگ عام (فولکور) یا میراث فرهنگی و هنر ملی پدید آمده باشد:

«فولکور» زیر مجموعه‌ای از دانش سنتی است و اشاره دارد به آثار ادبی، هنری، خبری و همه اختراعاتی که بر سنت و رسوم بشری مبتنی است. فرهنگ عامه از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و متعلق به یک قوم است که با تکامل آن قوم گسترش می‌یابد.^{۴۲}

برای آثار فولکور پدید آورنده خاصی نمی‌توان معین کرد؛ چون اصولاً متعلق به یک ملت‌اند و از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابند. در صورتی که پدیدآورنده خاصی داشته باشد طبق قوانین از آن حمایت خواهد شد. اما مسلماً تطبیق فولکور با قوانین موجود برای حمایت از تمام مصداق‌های آن کافی نیست. در مورد حمایت از فولکور و مصداق‌های آن در سطح بین‌المللی هنوز تصمیمات قطعی وجود ندارد. اما در مواردی که فولکور متعلق به یک ملت است، استفاده اعضای همان جامعه موجب تعرض به آن نمی‌شود. پس این دسته دعای بیشتر در سطوح بین‌المللی مطرح می‌شود که دولت به نمایندگی از عموم مردم اقدام می‌کند.

- اثر فنی که جنبه ابداع و ابتکار داشته باشد:

این مورد ابهامات فراوانی دارد و با آوردن واژه «فنی» به نظر می‌رسد، بیشتر مربوط به مالکیت صنعتی باشد و به سختی می‌توان آن را به حمایت از نرم‌افزارهای رایانه‌ای گسترش داد؛ زیرا معمولاً در کشورهایی که قوانین حق مؤلف خود را شامل نرم‌افزار کرده‌اند، این موضوع را در شمار آثار ادبی و نه یک اثر فنی محسوب کرده‌اند. تفسیر بند ۱۱ موجب اطلاق این عنوان به نرم‌افزار می‌شود که در عرف جهانی معمول نیست؛ چراکه تفسیر قانون به هر حال باید با توجه به اوضاع و احوال و قراین، منطقی باشد. در حالی که کشورهای که مهد رایانه مجبور شده‌اند با اصلاح قوانین خود به شمول آنها به این پدیده نو تصریح کنند، چگونه ممکن است گفته شود عبارات قانون‌گذار ایرانی در گذشته دور، چندان افاده شده که نرم‌افزار رایانه‌ای را دربرگیرد.^{۴۳} اگر بگوییم آثار مورد حمایت ذکر شده در این قانون جنبه تمثیلی دارد مشکلی که به وجود می‌آید در زمینه حمایت کیفری می‌باشد که با توجه به جزایی بودن قانون نمی‌توان آن را تفسیر موسع کرد.

این مقوله‌ها باید در دید وسیع سنجیده شود و حتی نرم‌افزارهای رایانه‌ای تحت عنوان آثار ادبی مورد حمایت این قانون قرار می‌گیرد. ماده ۱۰۱ قانون کپی‌رایت آمریکا در تعریف آثار ادبی بیان داشته است: «آثار ادبی هستند که با کلمات، اعداد یا دیگر علائم لفظی یا رقمی بیان می‌شوند، صرف نظر از ماهیت آنها که کتاب، نشریات، آثار دست‌نوشته و ... باشد».

بنابراین، نظر مقنن این نیست که آثار مورد حمایت حصری قلمداد شوند و برای حمایت از اثر چنانچه شرایط ذکر شده در قانون کپی‌رایت آمریکا را دارا باشد، مورد

حمایت قرار می‌گیرد و می‌توان با توجه به کلی‌بودن واژه‌ها، موارد دیگری را نیز جزء آن قلمداد نمود.^{۴۴} بر اساس موافقت‌نامهٔ تریپس حمایت کامل‌تری از آثار ادبی و هنری صورت می‌گیرد و از کشورهای عضو می‌خواهد که در قوانین خویش از نرم‌افزارهای رایانه‌ای نیز همانند آثار ادبی حمایت کنند.

در معاهده‌های حق مؤلف واپس به قواعد اساسی و تضمین‌کنندهٔ حمایت از کپی‌رایت در عصر دیجیتال پرداخته شده و این دو معاهده از آثار ادبی و هنری با توجه به شرایط زمان - که بهره‌گیری از آثار به صورت دیجیتالی از طریق شبکه‌های دوسویه امکان‌پذیر است و انتقال متن، صوت، تصویر و برنامه‌های رایانه‌ای از طریق اینترنت امری ساده می‌باشد - حمایت می‌نمایند. آمریکا با پیوستن به این معاهدات، مفاد معاهده‌های Wct و Wept را تحت عنوان قانون کپی‌رایت هزارهٔ دیجیتالی در سال ۱۹۹۸ تصویب کرد.

در ایران ابهام در زمینهٔ حمایت از نرم‌افزارهای رایانه‌ای وجود داشت تا سرانجام بر اساس مادهٔ ۱۶۰ قانون برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۷۹) گزارش‌های پژوهشی، پایان‌نامه‌ها و نرم‌افزارهای چندرسانه‌ای به عنوان آثار مشمول مفاد قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان قرار گرفتند.

- هر گونه اثر مبتکرانهٔ دیگر که از ترکیب چند اثر از اثرهای نامبرده پدید آمده باشد:

اگر اثر جدید، هویتی مستقل از اجزای خود داشته باشد و نشان ابتکار و ابداع‌های پدیدآورندهٔ آن باشد در قانون حمایت این قانون خواهد بود. در نتیجه اثر اشتقاقی که شامل ترجمه، اقتباس و تلخیص می‌شود، تحت این عنوان قرار می‌گیرد. قانون کپی‌رایت آمریکا از آثار اشتقاقی که بر اساس بهره‌گیری از یک یا چند اثر قبلی پدید آمده، در صورت بدیع بودن مثل ترجمه، اقتباس، تلخیص و از آثار تلفیقی که با جمع‌آوری و کنار هم قرار دادن آثار قبلی به گونه‌ای شکل گرفته‌اند که دارای اصالت‌اند مثل بیوگرافی‌ها، کتاب‌های راهنما، کاتالوگ‌ها و آثار جمعی،^{۴۵} مثل روزنامه‌ها و دایرةالمعارف‌ها نیز حمایت می‌کند.

در بند ۱ مادهٔ ۲ کنوانسیون برن به صورت تمثیلی از آثار تحت حمایت حقوق پدیدآورندگان نام برده شده که همهٔ آثار بدیع در حوزه‌های ادبی و علمی و هنری را صرف نظر از شکل و قالب بیان آنها در بر می‌گیرد. همچنین آثار مبتنی بر آثار دیگر، مانند

ترجمه‌ها، آثار تلفیقی، تنظیمات موسیقایی و دیگر اشکال تغییر یافته آثار ادبی یا هنری نیز مورد حمایت‌اند.^{۴۶}

گفتار دوم. مبنای حمایت از کپی‌رایت

در خصوص تردیدها یا نقدها در مورد کپی‌رایت، سه دلیل مهم وجود دارد که به بررسی آنها می‌پردازیم.

الف. حقوق طبیعی^{۴۷}

حقوق طبیعی که مترادف با حقوق فطری است، قواعدی برتر از اراده حکومت و غایت مطلوب انسان است و قانون‌گذار باید بکوشد آنها را بیابد و راهنمای خود قرار دهد.^{۴۸} مطابق نظریه حقوق طبیعی، دلیل اینکه چرا حمایت از کپی‌رایت مورد مذاکره است، این نیست که می‌پنداریم تمام مردم از کپی‌رایت نفع خواهند برد، بلکه به این دلیل از کپی‌رایت حمایت می‌شود که یک حق است و به طور شایسته در کانون حمایت قرار می‌گیرد. به خصوص اینکه کپی‌رایت حق مالکیت را در تولیدهای عقلی سازماندهی می‌کند؛ زیرا چنین محصولی از فکر نویسنده‌ای شخصی نشئت می‌گیرد. برای مثال، شعر به عنوان تلاش و الهام عقلانی، محصول ذهن شاعر است. به تعبیر دیگر، این محصول بیانی از شخصیت نویسنده است؛ با فرض اینکه اثری که فردی خلق می‌کند، ماهیت یکتای آن فرد را منعکس می‌کند. استدلال‌های حقوق طبیعی در اینجا از ما می‌خواهد که نتایج آن ابداع یا اثر را مالکیتی انحصاری و متعلق به مبدع یا نویسنده بشناسیم. در نتیجه کپی‌برداری از اثر شخصی نویسنده، غصب مالکیت او و معادل سرقت است. به همین لحاظ قانون کپی‌رایت درک قانونی و شخصی از این بدیهیات و دستوره‌های اخلاقی است.

ب. پاداش^{۴۹}

مطابق نظریه پاداش، دلیل اینکه چرا حمایت از کپی‌رایت مورد مذاکره است، این است که می‌پنداریم منصفانه است به یک نویسنده، به دلیل تلاش وی در ابداع یک اثر و عرضه آن به عموم، پاداش بدهیم. کپی‌رایت در واقع یک بیان قانونی قدردانی از نویسنده است به پاس انجام دادن کاری افزون بر آنچه جامعه از آن شخص انتظار دارد یا احساس می‌کند که متعهد به آن بوده است. به تعبیر دیگر، بحث از کپی‌رایت، شبیه باز پرداخت دین است. با وجود این، در تقابل با دیگر نظام‌های پاداش، کپی‌رایت به عموم مردم اجازه می‌دهد تا

دریافت‌کننده پاداش و اندازه آن را معین نمایند. تعداد نسخه‌های کپی‌شده از روی یک کتاب پرخریدار یا نسخه‌های ضبط‌شده از یک فیلم ویدئویی، ملاک میزان پاداش مالی است که به مالک اثر داده می‌شود. این نظریه، بیشتر با دیدگاه‌های مارکسیستی هماهنگی دارد.

ج. انگیزه^{۵۰}

دلیل سوم بر این اندیشه استوار است که از هر آنچه در کل برای عموم و جامعه مفید است، باید حمایت کرد. نظریه انگیزه را «ویلیام نورهاس» طرح کرده است.^{۵۱} پیش‌فرض دلیل انگیزه این است که تولید و پخش عمومی یک موضوع فرهنگی مانند کتاب، موسیقی، هنر یا فیلم فعالیتی ارزشمند و مهم است، تا جایی که بدون حمایت از کپی‌رایت، تولید و پخش این موارد در یک سطح مناسب صورت نمی‌گیرد؛ چراکه آثار اغلب با هزینه‌های بالایی ابداع می‌شوند. به همین لحاظ نخستین انتشار اثر می‌تواند فرصت را برای کپی‌برداری غیرمجاز فراهم کند. برای مثال، در حالی که برای نوشتن کتاب حقوق مالکیت‌های اخلاقی نوشته لیونل بنتلی^{۵۲} وقت و انرژی فراوانی هزینه شده است، منتشر کردن اولیه آن، می‌تواند به آسانی، با سرعت بالا و قیمت ارزان زمینه انتشار غیر قانونی مجدد آن را فراهم آورد. لذا در صورت نبود قانون کپی‌رایت، ناقض کپی‌رایت می‌تواند به آسانی و بدون صرف هزینه‌ای برای ابداع ابتدایی آن، به تکثیر آن پردازد. در حالی که به استناد دلیل انگیزه، اگر از لیونل بنتلی حمایت نمی‌شد این کتاب هرگز نوشته یا منتشر نمی‌گردید. شاید به همین دلیل باشد که حتی کهن‌ترین قوانین راجع به حمایت از کپی‌رایت، از این نظریه استقبال بیشتری کرده‌اند. مقدمه قانون کپی‌رایت (۱۷۱۰) انگلستان یکی از اهداف خود را تشویق عالمان به نوشتن کتاب‌های مفید می‌داند.^{۵۳}

بنابراین، کپی‌رایت حمایتی را مقرر می‌دارد که در پرتو آن کسانی که در تولید کالاهای فرهنگی و اطلاعاتی وقت و هزینه بسیاری صرف کرده‌اند، مطمئن باشند که نه تنها سرمایه‌گذاری آنها جبران می‌شود، بلکه سود و شهرت مناسبی را نیز با این آثار به دست می‌آورند،^{۵۴} صرف نظر از اینکه کدام یک از این دلایل را بپذیریم.

نتیجه‌گیری

کپی‌رایت شاخه‌ای از مالکیت ادبی و هنری از زیرمجموعه مالکیت فکری است که به ابداع‌کنندگان آثار ادبی مانند کتاب داستان، شعر، نمایش‌نامه، متون مرجع، روزنامه‌های

رایانه‌ای، پایگاه داده‌ها، فیلم، قطعات موسیقی و آثار هنری مانند نقاشی، طراحی، عکس و مجسمه، معماری، تبلیغات، نقشه‌های جغرافیایی و نقشه‌های مهندسی تعلق می‌گیرد. دارندگان این امتیاز می‌توانند برای یک دوره زمانی محدود به نشر و تکثیر آثار تولیدی خود، بپردازند و از این منظر، کلیه حقوق مادی خویش را از آنها استیفا کنند. این در حالی است که اسناد بین‌المللی هم به چنین مؤلفه‌هایی توجه داشته‌اند. اما دربارهٔ مبانی حمایت از کپی‌رایت، صرف نظر از مبانی متفاوتی که ارائه شده است، به نظر می‌رسد نظریهٔ انگیزه از قوت بیشتری برخوردار باشد.

این در حالی است که سهولت و آسانی نقض کپی‌رایت بر اهمیت آن می‌افزاید. با نگاهی اجمالی به آمار و ارقام نقض کپی‌رایت به آسانی پی می‌بریم که رعایت کپی‌رایت چگونه از ورود ضرر و زیان به صاحبان آن جلوگیری می‌کند. در جامعهٔ ایران، اگرچه آمار دقیقی در این زمینه وجود ندارد، می‌توان از آمار صنایع فیلم‌سازی آمریکا استفاده کرد که سالانه حدود یک بلیون دلار به دلیل کپی‌برداری غیرمجاز ضرر می‌بینند. این مبلغ، علاوه بر مبالغی است که برای تعقیب متجاوزان کپی‌رایت و فرهنگ‌سازی دربارهٔ رعایت کپی‌رایت هزینه می‌شود. طبیعی است که دولت‌ها - که متولی و حافظ نظم در جامعه‌اند. از چنین ارقام درشت و تبعات منفی آن نگران باشند و به چاره‌اندیشی واداشته شوند و از طریق قوای مقننه به مبارزه با آن بپردازند.

در حالی که، بر اساس تکوین و تشریح، تولید فکری، محصول تلاش اندیشهٔ انسان است که مالیت ذاتی و ملکیت تکوینی دارد. این محصول سرشار از منافع حیاتی و سرنوشت‌ساز است و در عرف معاوضه و معامله می‌شود. شرع آن را به رسمیت شناخته و تشریح آن را ضمانت و از آن حمایت کرده است.

با بررسی اقوال فقیهان به این نتیجه می‌رسیم که در میان آنان نیز روشی واحد در مورد احترام به کپی‌رایت وجود ندارد. برخی از آنان این حق را به رسمیت شناخته و شماری دیگر آن را نامعتبر شمرده‌اند. این دوگانگی در موضوع کپی‌رایت باعث شده است که حاکمان در کشورهای اسلامی در حمایت از کپی‌رایت اتفاق نظر نداشته باشند. تا زمانی که فقیهان روش واحد و مشخصی دربارهٔ مشروعیت و احترام به این دسته از حقوق در پیش نگیرند و زمینه برای همکاری‌های بین‌المللی و الحاق به کنوانسیون‌های مرتبط با کپی‌رایت فراهم نیاید، توفیقی چشم‌گیر در این عرصه عاید ما نخواهد شد.

خدا و پیامبر، حقوق مادی از جمله مالکیت را تأیید کرده‌اند، اما حقوق معنوی شامل آن نمی‌شود و چون اسمی از آن برده نشده، پس مورد تأیید دین نیست. نویسندگان حق مالی تألیف ندارند. بنابراین، ناشران و مؤسسه‌های چاپ و نشر می‌توانند هر گونه و به هر تعداد کتاب‌ها را چاپ کنند تا عقاید اسلامی ترویج و تبلیغ شود و به دست همه افراد برسد؛ چرا که مردم در بحث از حقیقت و رسیدن به آن شریک‌اند. در شرایطی که جامعه علم و ادب، از تألیفات دنیای غرب بی‌نیاز نیست، ناگهان موضوع الحاق ایران به عهدنامه کی‌رایت و پرداخت میلیون‌ها دلار ارز به عنوان حق تألیف به نویسندگان خارجی، جامعه ما را بر سر دو راهی قرار می‌دهد. در صورتی که همین فرنگی‌ها، همه آثار علمی و تألیفات ارزشمند دانشمندان و متفکران ما را ترجمه کردند، بدون آنکه حق تألیف نویسندگان را بپردازند. با پرداخت حقوق اقتصادی برای ترجمه کتاب‌های غیرفارسی زبان، قیمت تمام شده این نوع کتاب‌ها بالا می‌رود (پیامد اقتصادی) و با توجه به پایین بودن قدرت خرید جامعه مصرف‌کنندگان کتاب در کشور، این جامعه از کالاهای علمی، فرهنگی و هنری به شکل کتاب، محروم می‌شود (پیامد فرهنگی)؛ بنابراین پرداخت حقوق اقتصادی استفاده از کارهای تحت حمایت کی‌رایت، عملی ضد فرهنگی است. در حالی که، نقض کی‌رایت مانعی برای توسعه اقتصادی و فرهنگی است و منابع انسانی و مالی جامعه را به هدر می‌دهد.^{۵۵}

مالکیت فکری مشتمل بر قواعدی مبنی بر شناسایی و حمایت از حقوق پدیدآورندگان و روابط آنها با مصرف‌کنندگان در مورد محصول پدیدآمده است. با توجه به گستردگی موضوعات مربوط به آفرینش‌های فکری و تنوع و تعدد مشکلات موجود و نیز تحول و تکامل کنونی گونه‌های جدید آثار ادبی و هنری، قوانین موجد و مختصر که گاه کاستی‌ها و نارسایی‌هایی هم دارند، پاسخگوی نیازهای امروز نیستند. ضمن آنکه در این عرصه از رویه قضایی غنی و قابل اتکایی نیز برخوردار نیستیم. بر این اساس، نیاز به قانون جامع و کامل که در برگیرنده موارد پیش‌بینی نشده در این قوانین باشد و از سویی با مفاد کنوانسیون‌های بین‌المللی و تجربه‌های دیگر کشورها در خصوص حمایت از کی‌رایت هماهنگ باشد، احساس شد. از این رو، پیش‌نویس لایحه قانونی مالکیت هنری و ادبی را گروه پژوهش مالکیت‌های ادبی و هنری پژوهشگاه فرهنگ و ارتباطات وزارت

فرهنگ و ارشاد اسلامی با همکاری سازمان جهانی مالکیت معنوی در ۳۳ ماده تدوین کرد. این پیش نویس به صورت مفصل به حقوق پدیدآورندگان آثار فکری پرداخته است. در تدوین این پیش نویس از قوانین حقوقی کشورهای مختلف از جمله فرانسه، آمریکا، انگلیس و اسناد بین‌المللی مانند کنوانسیون برن و موافقت‌نامهٔ ترپس بهره گرفته شده است. این پیش نویس با نگرش بومی بر اساس الگوی سازمان جهانی مالکیت فکری تهیه شده است. به همین جهت، به نظر می‌رسد که لایحه‌ای جامع و کامل‌تر از مقررات کنونی و هماهنگ با کنوانسیون‌های بین‌المللی باشد.

پی‌نوشت‌ها

۱. در حقوق کشور ما اطلاق مالکیت به حقوق فکری دارای ایراد نخواهد بود. مالکیت حقوق اخلاقی همانند حقوق عینی است، اما موضوع این حقوق اشیای غیرمادی و نامحسوس است که از آن به «حقوق مالکیت» نیز تعبیر می‌شود (حسن میرحسینی، *مالکیت فکری در نظام حقوقی ایران*، ص ۱۷). البته این دارایی یا مالکیت به نسخ آن باز نمی‌گردد، بلکه در اطلاعات مندرج در آن نهفته است (علی اعظم محمدبیگی، *ارزیابی پیامدهای الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت در حوزه کپی‌رایت، مجموعه مقالات همایش بررسی جنبه‌های حقوق سازمان تجارت جهانی*، ص ۴۵)؛ چراکه تولید فکری، محصول تلاش ذهن و کوشش اندیشه عقلی و علمی انسان مالیت ذاتی و ملکیت تکوینی دارد، و شرع آن را به رسمیت شناخته است (محمودرضا افتخارزاده، *حقوق مولفان، مترجمان، هنرمندان و ناشران در فقه اسلامی معاصر*، ص ۱۴۰). ضمن آنکه در بحث از «مالکیت» آثار فکری دو نوع از مالکیت قابل تفکیک است: نوع اول، مالکیت بالذات و اولیه است و نوع دیگر آن مالکیت بالتبع، آن است که شخصی دیگر یک یا چند نسخه از اثر تولید شده توسط مالک اولیه را به طریقی (مثلاً با خریدن) به تملک خویش درآورد (اردشیر امیر ارجمند و محمد حبیبی مجنده، *جایگاه حقوق مالکیت معنوی در نظام بین‌المللی حقوق بشر*، ص ۱۳).
۲. حمیدرضا اصلانی، *حق اختراع با لحاظ موافقت نامه تریپس*، ص ۱۷.
۳. مالکیت صنعتی یکی از شاخه‌های حقوق مالکیت فکری است که برخلاف مالکیت ادبی و هنری، با آفرینش اثر به وجود نمی‌آید و دریافت گواهینامه ثبت موجد حق مالکیت برای آفریننده اثر است (شیمیا پورمحمدی، *مالکیت صنعتی در موافقت نامه تریپس و کنوانسیون پاریس*، ص ۲۳۸).
۴. محمدعثمان شبیر، *المعاملات المالیه المعاصره*، ص ۲۱. از نظر ایشان این اصطلاح بر سایر اصطلاحات راجع به اموری که موضوع آن فکر و خاستگاه آن ذهن آدمی است، ترجیح دارد.
۵. در کنوانسیون‌های بین‌المللی و مقررات داخلی کشورها، تعریفی جامع و کامل درباره حقوق مرتبط (Related rights Or Neighboring Rights) وجود ندارد. برخی از حقوق دانان آن را زیر مجموعه‌ای از حقوق پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری شناسایی کرده اند (مریم السادات آموزگار، *آثار حقوقی عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی در خصوص حق مؤلف*، ص ۱۷۷) و برخی دیگر از لحاظ نظری، میان حقوق پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری و حقوق مرتبط تفاوتی را لحاظ نکرده‌اند (محمود حکمت‌نیا، *مبانی نظری مالکیت فکری با تأکید بر فقه اسلامی*، ص ۱۸۰). در عین حال، حقوق مرتبط به کسی داده می‌شود که با اجرای آثار فکری دیگران از طریق فیلم، تئاتر و... آن را به عموم انتقال می‌دهد. ضمن اینکه این اقدامات بیشتر بر مهارت‌های فنی و سازمانی - و نه مهارت‌های خاص شخص پدیدآورنده - استوار است (محمود حکمت‌نیا و محمد موحدی ساوجی، *جایگاه مبانی نظری در فهم و ترسیم نظام مالکیت فکری*، ص ۱۰۰). البته برخی در تفکیک میان حقوق مؤلف و حقوق جانبی این چنین اعتقاد دارند که کپی‌رایت در معنای وسیع کلمه حقوق جانبی را نیز دربرمی‌گیرد (حسن میرحسینی، *مقدمه‌ای بر حقوق مالکیت معنوی*، ص ۲۰).
۶. جواد صالحی، *کپی‌رایت و تعامل آن با مالکیت فکری*، ص ۴۱. البته برخی با تفکیک میان «حق تصنیف» و «حق تالیف» به ارجحیت «حق تصنیف» معتقدند (رضا موسوی، همان، ص ۱۲۸).

۷. این کنواسیون که در ۹ سپتامبر ۱۸۸۶ در برن منعقد گردید، به افول قراردادهای دوجانبه حمایت از حقوق پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری منجر شد و به عنوان یک سند بین‌المللی معتبر و مستحکم، نقش تضمین‌کننده حقوق مالی و غیرمالی ناشی از این گونه آفرینش‌های فکری را برعهده گرفت (برای مطالعه بیشتر ر.ک: محسن قاسمی، *سیر تحول حقوق مولف در جامعه بین‌المللی*، ص ۱۵۲).

۸. Library of Congress, Copyright Basics, P.2

۹. Bern Convention, 1886

۱۰. در خصوص ریشه‌یابی اینکه چرا این موضوع در ابواب فقهی کتب فقهای قدیم سابقه‌ای ندارد، شاید بتوان به این دلیل تمسک کرد که در فرهنگ اسلامی، گسترش معارف اسلامی به عنوان یک مسئولیت شرعی ترویج و نشر علم به انحاء مختلف تشویق و ستایش می‌شود و اخذ اجرت برای آن ممنوع است. اگرچه برخی با این استدلال که آنچه به فروش می‌رسد، کاغذ و ورق است، به جواز حکم داده‌اند (عبدالرحمن ابن قدامه، *الشرح الکبیر*، ج ۴، ص ۱۲) تا مسلمانان از طریق نوشتن قرآن امرار معاش کنند (محمودرضا افتخارزاده، همان، ص ۷)، بدون این که برای خود حق خاصی در نظر بگیرند و به قوانینی در جهت تضمین این حقوق نیاز داشته باشند.

۱۱. رضا موسوی، *حق تالیف در حقوق اسلامی*، ص ۱۴۰

۱۲. عبدالحسین الامینی، *الغدير فی الكتاب و السنه و الادب*، ج ۵، ص ۳۴۵-۳۴۰

۱۳. مسعودی (مورخ سده‌های سوم و چهارم) در یکی از تألیفات خویش خطاب به کاتبان و نسخه‌برداران احتمالی آن چنین هشدار می‌دهد «هر کس حرفی از کتابم را تحریف کند، یا بخشی از آن را بردارد، یا نکته‌ای روشن و معلوم را تباه سازد، یا شرح حال کسی را عوض یا دگرگون سازد، یا از خود بنویسد، یا خلاصه کند، یا اثرم را به غیر من نسبت یا دیگری را در نوشتن آن شریک جلوه دهد، خداوند او را به غضب خود گرفتار کند...» (حمید آیتی، *آفرینش‌های فکری*، ص ۳۸).

۱۴. در تأیید این نظر مؤلف کتاب مفاخر اسلام نیز چنین آورده اند: «سرقه افکار و اندیشه‌ها، چه به صورت فکر یا عین عبارت... سابقه طولانی دارد و بیشتر در میان شعراء رایج بوده است.» (علی دوانی، *مفاخر اسلامی*، ج ۲، ص ۲۱).

۱۵. وهبه الزحیلی، *الفقه الاسلامی وادلته*، ج ۷، ص ۵۰۷۷

۱۶. وهبه الزحیلی، همان، ج ۴، ص ۲۷۶۱

۱۷. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، *اجوبه الاستفتائات*، ج ۲، ص ۴۳

۱۸. سیدمحمدحسن مرعشی شوشتری به نقل از وحید اشتیاق، *نظر چند تن از فقها و آیات عظام پیرامون حقوق*

مالکیت‌های فکری، ص ۲۱۰

۱۹. سیدمحمدحسن مرعشی، *دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری*، ص ۲۳۹

۲۰. ناصر مکارم شیرازی به نقل: از وحید اشتیاق، همان، ص ۲۱۱
۲۱. محمدجعفر جعفری لنگرودی، *مبسوط ترمینولوژی*، ج ۴، ص ۲۹۸۴
۲۲. سیدمحمد خامنه‌ای، *ماهیت مالکیت معنوی از دیدگاه فقه امامیه*، ص ۱۲۵
۲۳. تقی‌الدین نیهانی به نقل از افتخارزاده، همان، ص ۱۰۸
۲۴. جواد تبریزی، *صراط النجاة*، ج ۵، ص ۲۱۸
۲۵. امام خمینی ره، *تحریرالوسیله*، ج ۲، ص ۶۲۵
۲۶. مهدی مهریزی، *مبانی فقهی حق مولف*، ص ۴۲
۲۷. لطف‌الله صافی گلپایگانی به نقل: از حمید آیتی، همان، ص ۷۱.
۲۸. تقی‌الدین نیهانی به نقل از محمودرضا افتخارزاده، همان، ص ۱۰۸
۲۹. ساناز السستی، *حقوق کیفری مالکیت ادبی و هنری*، ص ۳۱
۳۰. محمدجعفر جعفری لنگرودی، *حقوق اموال*، ص ۱۶۸
۳۱. WCT, 1996.
۳۲. با توجه به پیروزی انقلاب اسلامی و تحولات صورت گرفته در ساختارهای حکومتی، در حال حاضر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی عهده‌دار این امر است. مطابق اصول کلی در فقه اسلامی، اموال فردی که وارث ندارد باید در اختیار حاکم اسلامی قرار گیرد، که در این زمینه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، جانشین حاکم اسلامی است.
۳۳. Tina Hart & Linda Fazzani, Intellectual Property Law: p.154.
۳۴. حمید آیتی، همان، ص ۸۲
۳۵. این پیش‌نویس را گروه پژوهش مالکیت‌های ادبی و هنری پژوهشگاه فرهنگ و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با همکاری سازمان جهانی مالکیت معنوی در ۳۳ ماده تدوین و به مجلس تقدیم کرده است.
۳۶. TRIPS Agreement, 1995
۳۷. World Intellectual Property Convention, 1976
۳۸. Rome Convention, 1961
۳۹. WPPT
۴۰. جرالد میلرسون، *فن برنامه سازی تلویزیونی*، ص ۹.
۴۱. ف. پودوفکین، *فن سینما و بازیگری در سینما*، ترجمه حسن افشار، ص ۲۶.
۴۲. مهدی زاهدی، *گزارش همایش بین منطقه‌ای سازمان جهانی مالکیت اخلاقی در خصوص حمایت از دانش سنتی*.
۴۳. امیر صادقی نشاط، *حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم افزارهای رایانه‌ای*، ص ۹۰
۴۴. Christine Haight Farley, Protection Copyright: is Intellectual Property the Answer?, p.212
۴۵. بر اساس قانون کی‌رایت آمریکا آثار جمعی در قلمرو آثار تلفیقی قرار می‌گیرد.

۴۶. Richard Stim ,Copyright Law, p.251

۴۷. Natural Right Arguments

۴۸. ناصر کاتوزیان، فلسفه حقوق، ج ۱، ص ۴۴

۴۹. Reward Arguments

۵۰. Incentive Arguments

۵۱. William D.Norhaus, Invention, Growth and Welfare: A theoretical treatment of technological change, p.65

۵۲. Bentley Lionel

۵۳. J.A.L. Sterling, World Copyright Law, p.65

۵۴. Lionel Bentley & Brad Sherman, Intellectual Property, Patents, Copyright, Trademark, Allied Right, p.34

۵۵. جواد صالحی، کجی رایت در بستر قانون و تعامل آن با مبانی فقهی، ص ۱۹.

منابع

- اشتیاق، وحید، «استفتائات و نظرات پیرامون مسائل فقهی و حقوقی»، رهنمون، ش ۳-۲، ۱۳۷۵.
- اصلانی، حمید رضا، *حق اختراع با لحاظ موافقت نامه تریپس*، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۱.
- افتخارزاده، محمودرضا، *حقوق مولفان، مترجمان، هنرمندان و ناشران در فقه معاصر اسلامی*، تهران، هزاران، ۱۳۷۶.
- امام خمینی (ره)، *تحریرالوسیله*، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳.
- امانی، تقی، *قوانین و مقررات مالکیت فکری*، تهران، بهنامی، ۱۳۸۳.
- امیرارجمند، اردشیر، محمد حبیبی مجنده، «جایگاه حقوق مالکیت معنوی در نظام بین‌المللی حقوق بشر»، *نامه مفید*، ش ۴۹، ۱۳۸۴.
- آموزگار، مریم السادات، *آثار حقوقی عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی در خصوص حق مولف*، پایان نامه دکتری، دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.
- آیتی، حمید، *حقوق آفرینش‌های فکری*، تهران، حقوقدان، ۱۳۷۵.
- پودوفکین، ف. ا. *فن سینما و بازیگری در سینما*، ترجمه حسن افشار، تهران، انتشارات مرکز کرج، ۱۳۷۰.
- پورمحمدی، شیمایا، «مالکیت صنعتی در موافقت نامه تریپس و کنوانسیون پاریس»، *حقوقی دادگستری*، ش ۵۱-۵۰، ۱۳۸۴.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *حقوق اموال*، گنج دانش، تهران، ۱۳۷۰.
- چیت‌سازان، مرتضی، *حقوق مالکیت‌های فکری*، تهران، خانه کتاب، ۱۳۷۹.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، *اجوبه‌الاستفتائات*، تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، ۱۳۷۹.
- حکمت نیا، محمود، *مبانی نظری مالکیت فکری با تأکید بر فقه اسلامی*، رساله دکتری دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۳.
- حکمت نیا، محمود، محمد موحدی ساوجی، *جایگاه مبانی نظری در فهم و ترسیم نظام مالکیت فکری، فقه و حقوق*، ش ۸، ۱۳۸۵.
- دوانی، علی، *مفاخر اسلامی*، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۶.
- زاهدی، مهدی، *گزارش همایش بین منطقه‌ای سازمان جهانی مالکیت اخلاقی در خصوص حمایت از دانش سنتی*، ۹-۱۱ نوامبر سال ۲۰۰۰ تایلند، سخنرانی در دانشکده حقوق دانشگاه علامه طباطبائی، مورخ ۷۹/۹/۲۱.
- الستی، ساناز، *حقوق کیفری مالکیت ادبی و هنری*، تهران، میزان.
- شبیر، محمدعثمان، *المعاملات المالیه المعاصره*، دارالفنایس، اردن، ۱۴۱۹ق.
- شمس، عبدالحمید، *حقوق مالکیت بر علائم تجاری و صنعتی*، تهران، سمت، ۱۳۸۲.
- شورای عالی انفورماتیک کشور، *حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزار*، تهران، سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی، اجتماعی و انتشارات، ۱۳۸۲.
- صادقی نشاط، امیر، *حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای*، سازمان برنامه و بودجه، تهران، ۱۳۷۶.
- صالحی، جواد، *کی‌رایت و تعامل آن با مالکیت فکری*، *مجله تعالی حقوق*، ش ۱۸، ۱۳۸۶.

- قاسمی، محسن، «سیر تحول حقوق مؤلف در جامعه بین‌المللی»، *مجله حقوقی*، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، ش ۳۵، ۱۳۸۵.
- کاتوزیان، ناصر، *مقدمه علم حقوق*، تهران، ج بیست و سوم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۳.
- محمدبیگی، علی اعظم، *ارزیابی پیامدهای الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت در حوزه کپی‌رایت*، مجموعه مقالات همایش بررسی جنبه‌های حقوق سازمان تجارت جهانی، نشر موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۶.
- مرادی، نورالله، «حق مؤلف»، *نامه انجمن کتابداران ایران*، ش ۲، ۱۳۵۲.
- مرعشی، سیدمحمدحسن، *دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری*، تهران، میزان، ۱۳۷۳.
- موسوی، رضا، *حق تألیف در حقوق اسلامی*، *مطالعات اسلامی*، ش ۶۴، ۱۳۸۳.
- مهریزی، مهدی، *مبانی فقهی حق مؤلف*، همایش تخصصی بررسی حقوق نشر کتاب در ایران، تهران، خانه کتاب، ۱۳۸۱.
- میرحسینی، حسن، «مالکیت فکری در نظام حقوقی ایران»، *مجله حقوقی دادگستری*، ش ۵۱-۵۰، ۱۳۸۴.
- ____، *مقدمه‌ای بر حقوق مالکیت معنوی*، تهران، میزان، ۱۳۸۴.
- میلرسون، جرال، *فن برنامه سازی تلویزیونی*، ترجمه مهدی رحیمیان، تهران، سروش، ۱۳۷۷.
- وهبه الزحیلی، *الفقه الاسلامی وادلته، المجلد الرابعه*، پاکستان، المكتبة الحیبیه، بی‌تا.
- Bently, Lionel and Brad Sherman, *Intellectual Property, Patents, Copyright, Trademark, Allied Rights*, Third edition, London, 2001
- D.Norhaus, William, *Invention, Growth and Welfare: A theoretical treatment of technological change*, Cambridge, M.I.T. Press, 1969.
- Haight Farley, Christine; *Protection Copyright: is Intellectual Property the Answer?*, American university-washington college of Law , 2006
- Hart, Tina & Linda Fazzani; *Intellectual Property Law*, American university-washington college of Law , 2004
- library of congress , *copyright basics*, copyright office Washington D.C, 2002.
- Sterling, J.A.L., *World Copyright Law*, Second edition, London, Sweet & Maxwell, 2003.
- Stim, Richard; *Copyright Law*, first edition, west legal studies, 2000